

بررسی عوامل جامعه‌شناختی در شکل‌گیری هویت آبادان

دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

هویت^۱ و تشدید و برجستگی آن، یکی از مسایل اجتماعی مهم جوامعی است که از چندین قوم و گروه تشکیل شده‌اند. هویت یا «الهویه» کلمه‌ای عربی است. این کلمه از «هو» یعنی او که ضمیر غایب مفرد مذکر است، می‌آید. این مفهوم به معنی «اتحاد به ذات» یا «انطباق با ذات» است. اتحاد به ذات به معنی اتصاف و شناخته شدن و یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر است.^۲ هویت تعریفی است که شخص از خود و وجود خود می‌کند و به کمک آن به سؤال‌هایی از قبیل «چیستم؟» و «چه می‌خواهم؟» پاسخ می‌دهد و از طریق آن به ابعاد شخصیت خود یکپارچگی و انسجام نسبی می‌بخشد. بنابراین، هویت بدین مفهوم پدیده‌ای چند لایه است و دارای عوامل و مراحل چند لایه و پویای زمینه ساز فطری و اکتسابی و عامل تحقق‌بخش است.^۳

هویت‌ها جملگی ساخته می‌شوند و هر چند طبیعی به نظر می‌رسند، اما در واقع طبیعی و ذاتی نیستند. قدرت‌های هژمونیک همواره دست‌اندرکار هویت‌سازی هستند و برای حفظ این



هویت‌ها می‌کوشند. یکی از مسائل اصلی در شناخت هویت یک شهر، بررسی عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی به‌طور مجزا و در عین حال در ارتباط با یکدیگر در طول تاریخ می‌باشد. آبادان به عنوان غربی‌ترین جزیره خلیج فارس از ویژگی‌های خاصی در رابطه با نظام اجتماعی برخوردار بوده و در یکصد سال گذشته پیدایی و تعامل بین عوامل چندگانه نظام اجتماعی در شکل‌گیری هویت این جامعه بی‌نظیر ایران موثر بوده است.

هدف مقاله حاضر این است که نشان دهد اولاً عناصر تشکیل دهنده خرده نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی آبادان چه بوده است و چرا این عناصر هویت این نظام شهری را از دیگر شهرهای ایران متفاوت کرده است. ثانیاً این خرده نظام‌ها چگونه در تاریخ معاصر این شهر با یکدیگر تعامل داشته‌اند و چه عوامل داخلی و خارجی در این تعامل مؤثر بوده‌اند. ثالثاً چه تلاشهایی برای حفظ این هویت صورت گرفته است. رابعاً چه عواملی باعث تضعیف و تحلیل این هویت شده است.

اهمیت تحقیق حاضر در این است که اولاً شناخت علمی ما از جامعه ای کاملاً پویا افزایش می‌یابد و می‌توان دقیقاً مشخص نمود که به لحاظ جامعه‌شناختی چه مکانیزمهایی باعث پیدایی، استحکام و نهایتاً تغییر و تحولات این پدیده (هویت) در آبادان شده است. ثانیاً مسائل و مشکلاتی که به لحاظ اجتماعی در حال حاضر در آبادان در رابطه با هویت به‌وجود آمده و برای دست‌اندرکاران اجرایی شهر مسئله‌ساز شده است، قابل شناسایی و طرح است و می‌تواند دستمایه حل معضلات برای بخش اجرایی جامعه آبادان شود. اصولاً یکی از وظایف اصلی تحقیقات جامعه‌شناختی کمک به حل مسئله به طریق علمی است که در این مقاله سعی شده کمکی به این قضیه بشود.

مروری بر پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیق مستقیمی در مورد هویت آبادان و آبادانی صورت نگرفته است. اما تحقیقاتی چند در مورد هویت ایرانی و خوزستانی انجام شده که بی‌مناسبت نیست آنها را مرور کرده و از عناصر مثبت آنها استفاده شود.

قیصری در تحقیقی میدانی تحت عنوان قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران، با استفاده از نظریه گرایش^۴ نشان داده که اعراب خوزستان بیشتر مشکلات اجتماعی دارند: افزایش و تراکم جمعیت، امکانات ضعیف یا نبود امکانات بهداشتی، نداشتن مسکن، کمبود امکانات رفاهی، افزایش اعتیاد در بین جوانان و بیکاری. سایر یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سواد فرد بیشترین تأثیر را در گرایش نسبت به هویت ملی ایفا کرده است و در مرحله بعد دو متغیر «همکاری دولت» و «وضعیت اقتصادی» قرار دارند. در پایان به نظر محقق، این مسئله که اکثر مقامات اداری در استان خوزستان در اختیار دزفولی‌ها با گرایشات منفی نسبتاً شدید به اعراب یا حتی لرها می‌باشد، هم در عمل باعث توزیع امکانات به صورت ناعادلانه می‌شود و هم باعث بیدار شدن هویت‌های قومی و تقویت آنها در میان قوم عرب شده است.^۵

به نظر الطائی، جامعه ایران با بحران هویت قومی روبروست. وی در کتابی تحت عنوان بحران هویت قومی در ایران، عوامل بحران هویت قومی در ایران را در هشت دسته جای می‌دهد: اجتماعی، اقتصادی، سیاسی-اداری، آموزشی، طبیعی و جغرافیایی، فکری، ناسیونالیسم و اسطوره‌ها.^۶

حیدری در یک تحقیق کمی تحت عنوان عوامل مؤثر بر رابطه هویت قومی و ملی رابطه هویت قومی با هویت ملی در جوامع سستی ایران را مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌های وی در ایران، در جوامع ساده‌ایلی، همه چیز از طریق یک نظام خویشاوندی اتفاق می‌افتد، در حالی که در جوامع پیچیده مدرن، نهادهای مجزای آموزش، کار، حکومت و غیره وجود دارند و خانواده نیز نقش‌های خصوصی‌تر و محدود شده تری را برعهده می‌گیرد. به نظر محقق مذکور تفکیک ساختاری می‌تواند از طریق تغییر در نگرش‌ها بر هویت جمعی اثر گذارد.^۷

عالمی نیسی در مطالعه میزان برجستگی هویت‌های فرهنگی جمعی و پیش‌بینی آینده آن به بررسی برجستگی این هویت در میان مردم عرب خوزستان پرداخته است. یافته‌های وی نشان از معنی‌دار بودن دو فرضیه یعنی، تأثیر دو متغیر مستقل: (۱) ارتباطات فراملی-فرصت یکسان (برقراری ارتباط بدون هیچ فرقی بین کشورها) و (۲) ارتباطات فراملی-فرصت متفاوت، بر متغیر وابسته که در آن تحقیق، فراوانی برجستگی‌های هویت‌های ملی و قومی درون مرزی است،



دارد. دیگر یافته‌های این پژوهش حاکی از عدم معنادار بودن متغیرهای ارتباطات درون ملی، جهانی‌سازی و آزادی‌های مدنی با متغیر وابسته است. محقق در مورد عدم تأیید رابطه جهانی‌سازی با متغیر وابسته عقیده دارد که برخلاف اعتقاد برخی متفکران که جهانی‌سازی را عامل یکسان‌سازی انسان‌ها و هویت‌هایشان می‌دانند، در آینده شاهد ایجاد و خلق هویت‌های جدیدی خواهیم بود.^۸

نگارنده در کتاب *جامعه‌شناسی آبادان*^۹ بحث هویت آبادانی‌ها را در جای جای کتاب به تصویر کشیده است. در آن تحقیق سعی شده عناصر پراکنده هویت تاریخی-اجتماعی آبادانی‌ها از لایه‌های متون و ذهنیت تاریخ آبادانی‌ها بیرون کشیده شده و به نمایش گذاشته شود. نکته اصلی در رابطه با فرهنگ آبادان این است که به صورت یک فرهنگ معجونی تصویر شده است و در واقع همین فرهنگ دستمایه یک هویت معجونی و در واقع یگانه‌ای نشان داده شده که در تحقیق حاضر قصد بر این است که به‌طور اختصاصی‌تر بررسی گردد.

چارچوب مفهومی و نظری

از نظر جامعه‌شناسان، هویت ساخته و پرداخته ظرف زمان، مکان، فضا و موقعیت اجتماعی است. مارکس، هویت را به مثابه یک برساخته طبقاتی مورد بحث قرار می‌دهد.^{۱۰} وبر هویت افراد در جوامع مدرن را بر مبنای عقلانیت در نظام بوروکراسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.^{۱۱} دورکیم مبتنی بر همبستگی ارگانیکی در جوامع مدرن بیان می‌دارد که افراد در این گونه جوامع همانند و شبیه به هم نیستند، وجدان جمعی رو به تضعیف می‌گذارد و بحران هویت به‌وجود می‌آید.^{۱۲}

هویت اجتماعی از نظر کنش متقابل‌گرایی عبارت است از دریافت ما از اینکه چه کسی هستیم و اینکه دیگران چه کسی هستند و اینکه مردم چه فهمی از خودشان و دیگران دارند. بنابراین هویت اجتماعی حاصل توافق و عدم توافقات است.^{۱۳} به نظر می‌دهد، هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازماندهی نگرشهای فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی شکل می‌دهد.



پارسنز برای توضیح و تبیین هویت از اصطلاح «تمایزدایی»^{۱۴} برای تبیین نیاز به هویت جمعی در میان گروه‌های خاص استفاده کرده است. به نظر وی ساز و کارهای گزینشی تمایزدایی هویتی را از طریق بازگشت به عضویت‌های اولیه ارائه می‌دهند.^{۱۵}

هابرماس بر آن است که انسان در گذر از مرحله کودکی، هویت آغازین خود را که در پیوند با خانواده است کنار می‌گذارد و هویت انتزاعی‌تری کسب می‌کند که بعدها احتمالاً از طرف نهادها، سنت‌ها و جوامع سیاسی و اجتماعی مورد حمایت قرار می‌گیرد.^{۱۶}

هانا آرنت^{۱۷} نیز در بیان مفهوم هویت، به نابودی جهان مشترک اشاره دارد. جهان مشترک از نظر وی محیط مصنوعی است که خود انسان‌ها به وجود آورده‌اند. احساس ما نسبت به واقعیت، جهان و خودمان، به جهان مشترکی بستگی دارد که ما به‌طور مشترک با دیگران در آن شریک هستیم. بنابراین، وقتی چنین جهان مشترکی نابود می‌شود، ما احساس بودن در جهان و احساس هویت و معنا را از دست می‌دهیم.^{۱۸}

برگر و لاکمن تحلیل‌های کل‌گرایانه و فردگرایانه در مورد هویت را با یکدیگر ترکیب کرده و قضایای زیر در مورد هویت عرضه کرده‌اند:

۱- هر قدر هویت بیشتر (از سوی جامعه و افراد صاحب نفوذ) و به‌طور مستمر تأیید شود، بیشتر تقویت شده و حفظ می‌شود.

۲- هر قدر گفتگوی مداوم و مستمر درباره هویت بیشتر صورت گیرد، هویت بیشتر تقویت شده و حفظ می‌شود.

۳- هر اندازه فرد تعداد محیط فرهنگی بیشتری را درونی کند، هویت بیشتر تقویت شده و حفظ می‌شود.^{۱۹}

به نظر استرایکر^{۲۰}، هر چه افراد بیشتر تعهد خود را نسبت به یک هویت ابراز کنند، این هویت در سلسله مراتب برجستگی در مرتبه بالاتری قرار خواهد داشت. اگر این هویت به گونه‌ای مثبت از طریق واکنش‌های دیگران و معیارهای ارزشی وسیع‌تر ارزیابی شود، این هویت در سلسله مراتب این شخص به سوی مرتبه بالاتری حرکت خواهد کرد.^{۲۱}



عمده اندیشه‌ای که به عنوان نظریه هویت اجتماعی شناخته شده، از طرف ترنر وضع شده است. از نظر وی، هویت اجتماعی به عنوان آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد، مفهوم‌سازی شده است. در نتیجه، بنا بر تعلق افراد به گروه‌های متفاوت است که آنها به یک هویت اجتماعی معرف وضعیت به خصوصشان در جامعه دست می‌یابند.^{۲۲}

از نظر ریچارد جنکینز^{۲۳}، هویت حاصل دیالکتیک درونی- بیرونی است. وی هویت‌های اولیه را از ثانویه جدا و متمایز می‌سازد. از نظر وی، هویت‌های اولیه در اوایل زندگی ساخته می‌شوند و در حالی که هویت‌های ثانویه بیشتر متأثر از تعاملات اجتماعی و در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرند. او معتقد است که هویت اجتماعی، دستاوردی عملی، یعنی یک فرآیند است. دوم اینکه هویت‌های اجتماعی را می‌توان با به کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی و بیرونی فهمید.^{۲۴}

روایتی که پسامدرنیته از هویت دارد، که بی‌شک نمی‌تواند رها از شک‌اندیشی‌های پیشین درباره مفهوم هویت هم باشد، دارای چندین وجه و جنبه گوناگون است و در پیوند با فرهنگ، اجتماع، زبان، سنت، مذهب، ایدئولوژی، سیاست و ... مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی در این رویکرد، هویت، ضرورتاً و به‌طور مستمر از گوهر ثابتی برخوردار نیست. هویت، کارناوال متغیر و متحرکی است که همواره در ارتباط با جریان‌هایی که ما نماینده یا مخاطب‌شان واقع می‌شویم و از طریق نظام‌های فرهنگی که ما را احاطه کرده‌اند، شکل می‌یابد و تغییر می‌کند. برابر این رویکرد، هویت‌ها فراورده‌های تاریخی‌اند.^{۲۵}

با توجه به بحث‌های نظری رایج بین جامعه‌شناسان، حال این سؤال پیش می‌آید که آیا هویت امری مشخص و معین است؟ آیا هویت یک شهر و جمعی که در آن زندگی می‌کنند تنها با نگاه درونی تعریف می‌شود یا در ارتباط با عناصر بیرونی هم شکل می‌گیرد. در واقع، برای فهم و درک هویت جمعی موجود در یک شهر، لازم است روی چند بعد مهم، اساسی و محوری (داخلی و خارجی) که نقش اصلی در شکل‌دهی به هویت دارند، تأکید شود. «البته، هر بعد از هویت، افزون بر آنکه تعریف مشخصی دارد، به مقدار خاصی حالت انعطاف‌پذیری دارد، همان

طور که در هر مورد خاص، چه از نظر زمانی و چه مکانی، هر یک از این ابعاد ممکن است نفوذ کم و بیش متفاوت داشته باشند و طبعاً انعکاس ظهور آنها در هویت و تحولات آن متفاوت باشد.^{۲۶}

با عنایت و وام‌گیری از بحث‌های نظری موجود، در یک کوشش ترکیبی نظری، عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت یک شهر شامل عوامل داخلی و عوامل خارجی است که عوامل داخلی شامل: تنوع فرهنگهای بومی، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، اقتصاد بومی و ملی و بستگی جغرافیایی است. عوامل خارجی شامل: حضور خارجی‌ها، اقتصاد جهانی، طبقات خارجی، نفوذ خارجی‌ها و موقعیت سوق‌الجیشی شهر. هر کدام از عوامل نامبرده در بالا با یک دسته شاخص اثرات خود را بر شکل‌گیری هویت یک شهر می‌گذارند (نمودار ۱).

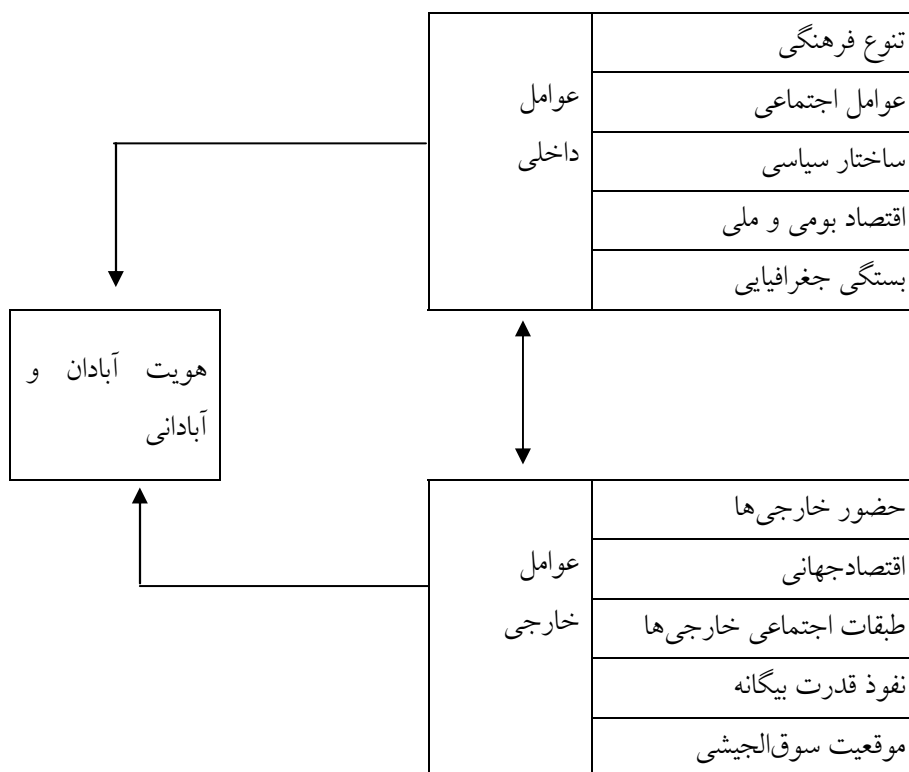
یکی از بستگی‌های مؤثر بر هویت، وجود تنوعی از فرهنگ‌های بومی و داخلی است که با عناصر متعدد خود (زبان‌ها و گویشها، آداب و رسوم، ادیان و مذاهب، اقوام و ...) در تعامل و تقابل، ترکیبی جدید به وجود می‌آوردند. این ترکیب جدید در واقع بخشی از هویت آن شهر می‌شود که با تمام عناصر تشکیل دهنده آن متفاوت است.

هویت یک شهر و ساکنان آن شدیداً به عوامل اجتماعی بستگی دارد. عوامل اجتماعی متعدد هستند اما در میان آنها عناصری که بر هویت بسیار اثر می‌گذارند عبارتند از: مهاجرت اقوام مختلف به آن شهر، وجود طبقات گوناگون در شکل‌دهی یک ساختار شطرنجی از قشربندی اجتماعی، ساختار جدید و نوین روابط خانوادگی جانشین روابط سنتی خویشاوندی، نظام آموزشی و پرورشی مدرن و ... همه این عوامل یک کلیت اجتماعی را به وجود می‌آورد که اجزاء آن درهم‌تنیده شده و نقش اساسی در شکل‌دهی هویت جمعی دارد.

در هر جامعه‌ای ساختار سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت آن جامعه دارد. شکل و محتوای قدرت، گروه‌های مقتدر، میزان نفوذ عامه مردم، انواع مشارکتهای سیاسی و اشکال آن و بسیاری فاکتورهای دیگر در ساختار سیاسی به مردم یک جامعه جرئت ابراز وجود می‌دهد که در واقع مکانیزمی برای به نمایش گذاردن هویت است.



نمودار ۱: عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت شهری آبادان



اینکه مردم یک جامعه بر چه معیشتی می‌باشند و فعالیتهای اقتصادی آنها چگونه است و تنوع اقتصادی آنها به چه شکلی است، در درازمدت در شکل‌دهی هویت آنها اثر می‌گذارد. جوامع شهری از مجموعه فعالیتهای اقتصاد بومی و اقتصاد ملی تشکیل شده‌اند. کنش متقابل بین اقتصاد بومی و ملی ترکیب زیبایی را به‌وجود می‌آورد که در مجموع هویت اقتصادی آن شهر نامیده می‌شود. این هویت می‌تواند از شهری به شهر دیگر کاملاً متفاوت باشد.

یکی از جنبه‌های مهم در شکل‌گیری هویت یک شهر بستگی انسان‌های آن با محیط زندگی به لحاظ جغرافیایی و مکانی است. بستگی مکانی هر جامعه بخشی از هویت آن جامعه است.

ویژگی‌های آب و هوایی و اکولوژی منطقه در شکل‌گیری خلق و خوی افراد تأثیر دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در معیشت جامعه دارد، لذا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری هویت اثر دارد.

هویت یک شهر، به‌ویژه شهرهای کشورهای پیرامونی که ارتباط تنگاتنگی با کشورهای مراکز و استعمارگر داشته‌اند، فقط به عوامل داخلی بستگی ندارد. اگر تأثیر عوامل خارجی در شکل‌دهی هویت یک شهر از تأثیر عوامل داخلی بیشتر نباشد، کمتر نیست. در واقع در دوران معاصر کنش متقابل بین عوامل خارجی و داخلی منجر به شکل‌گیری جوامعی شده است که به لحاظ نوع و کیفیت روابط اجتماعی نه ویژگی‌های جوامع سنتی را دارد و نه معیارهای دقیق جوامع مدرن را، در حالی که متشکل از عناصر هر دو نوع جامعه نیز هست.

عوامل خارجی در شکل‌گیری هویت یک شهر و شهروندان آن با توجه به ویژگیهای زمان تاریخی برقراری ارتباط، از شاخص‌هایی تشکیل شده است. نکته جالب اینکه هر کدام از این شاخص‌ها در تعامل با شاخص‌های همگون داخلی تأثیر مشترکی بر شکل‌گیری هویت آن شهر می‌گذارد. یکی از این عوامل مهم حضور خارجی‌ها به صورت مهاجران است. مهاجران خارجی معمولاً کوله‌باری از عناصر فرهنگی را با خود به جامعه مقصد می‌آورند و نفوذ فرهنگی خود را در تشکیل هویت می‌گذارند. بومیان معمولاً به شکل‌های متفاوتی نسبت به فرهنگ خارجی واکنش نشان می‌دهند و نوع واکنش بر هویت اثر دارد.

در دوران معاصر، اقتصاد جهانی سرمایه‌داری چتر خود را بر سراسر دنیا گسترده است و همین گسترش باعث شده تا تأثیر این اقتصاد تا دورافتاده‌ترین نقاط ممالک پیرامونی قابل لمس باشد. شهرهایی از جهان پیرامونی که بیشترین ارتباط با مراکز استعماری و امپریالیستی داشته‌اند، بیشترین تأثیر را از اقتصاد مدرن جهانی دریافت کرده‌اند. فعالیتهای اقتصادی مدرن بر نوع معیشت افراد مسلط شده در نتیجه در شکل‌گیری هویت افراد آن شهر نقش تعیین‌کننده داشته است.

خارجی‌هایی که به یک شهر جهان پیرامونی مهاجرت می‌کنند معمولاً از یک طبقه اجتماعی نیستند بلکه تنوعی از طبقات هستند. استعمارگران به صورت طبقه مسلط (بالا)، طبقات پایین و طبقات متوسط از کشورهای متفاوت وارد کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره شده‌اند. همین امر



باعث شده که طبقات گوناگون خارجی با طبقات مشابه داخلی اختلاط نموده وجوه فرهنگ طبقاتی را به‌عنوان پایه هویت اجتماعی ایجاد نماید.

استعمار در بدو ورود خود به کشورهای پیرامون نفوذ سیاسی خود را اعمال می‌کند زیرا نیاز به یک کنترل حساب شده دارد تا بتواند اوضاع و احوال را به نفع خود پایدار نماید. قدرت استعماری به شکل‌های گوناگون در دوره‌های متفاوت اعمال می‌شود. این اعمال قدرت معمولاً در تقابل با نفوذها و مقاومت‌های داخلی قرار می‌گیرد. از برخورد قدرتهای داخلی و خارجی یک ساختار قدرت سیاسی شکل می‌گیرد که بخشی از هویت مردم شهرهای استعمارزده می‌شود.

بالاخره عامل بین‌المللی جغرافیایی که در شکل‌گیری هویت یک شهر می‌تواند مؤثر باشد، جایگاه جغرافیایی یک شهر در منطقه است. معمولاً اینکه یک شهر به لحاظ جغرافیایی در کجای یک مملکت قرار داشته باشد (موقعیت سوق الجیشی) در ارتباط با نیروهای خارجی مورد توجه متفاوتی قرار می‌گیرد. معمولاً شهرهای مرزی با شهرهای درونی یک کشور از اهمیت متفاوتی برای نیروهای بین‌المللی برخوردارند. لذا جایگاه جغرافیایی در درجه شدت هویت یک جامعه تأثیر می‌گذارد.

حال با توجه به نمودار ۱، که در واقع الگوی نظری و تجربی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت یک شهر و شهروندان آن است، و با عنایت به تاریخ معاصر آبادان، نحوه پیدایی، استحکام و تغییرات هویت آبادان و آبادانی ترسیم و تحلیل می‌گردد.

هویت آبادان و آبادانی

آنچه آبادان را بیش از هر چیز دیگر از بقیه شهرهای ایران متمایز می‌کرد، فرهنگ خاص آن بود که مختصات ویژه خود را داشته است. به طور کلی آبادان دارای فرهنگ «معجونی» است. این فرهنگ محل تقاطع فرهنگ‌های بومی (عرب‌ها)، فرهنگ‌های مهاجران خارجی (انگلیسی‌ها، هندی‌ها، برمه‌ای‌ها و پاکستانی‌ها)، فرهنگ‌های مهاجران داخلی (اقوام مختلف ایرانی) و فرهنگ اقلیت‌های مذهبی ایرانی (ارمنی‌ها، یهودی‌ها و ...) بوده است. این اختلاط فرهنگی، دو نتیجه



کلی دربرداشت: نخست امتزاع فرهنگی و دوم جدایی فرهنگی. این دو مکانیزم توانست هویت فرهنگی برای آبادان و آبادانی به ارمغان بیاورد که از ساختار پیچیده‌ای برخوردار است. ساختاری که از یک سو عناصر جوامع سنتی و از سوی دیگر عناصر فرهنگ غربی را در خود دارد.

شاید هیچ شهری را بعد از تهران نتوان یافت که به اندازه آبادان تنوع اقوام مختلف را در خود جای داده باشد. اقوامی که در آبادان سکونت داشتند عبارت بودند از: عرب‌ها، صابین، انگلیسی‌ها، هندی‌ها، پاکستانی‌ها، رنگونی‌های برمه، فارس‌ها، ارمنه، آشوری‌ها، یهودی‌ها، لرها، بلوچ‌ها، کردها، ترک‌ها و کولی‌ها. هر کدام از این اقوام در مقطعی از تاریخ معاصر آبادان وارد آبادان شدند و هر کدام عناصر فرهنگی خاص خود را به آبادان آوردند و به سهم خود در تشکیل فرهنگ معجونی آبادان مشارکت کردند و هویت فرهنگی آبادانی را ساختند.

حضور تنگاتنگ و با سابقه پیروان ادیان و مذاهب الهی و توحیدی گوناگون در آبادان با باورها و سنت‌های ویژه خود همچون رنگین‌کمان هفت رنگی در تاریخ معاصر آبادان آن‌چنان ترکیب زیبا و موزونی از آمیزش جلوه‌های ارزشی هر کدام از عناصر تشکیل دهنده ادیان و مذاهب را شکل داد که علاوه بر زیبایی دینی، به انسجام ساختار اجتماعی مجموعه مردم آبادان استحکامی خلل‌ناپذیر، عینی و تاریخی بخشید. آبادان پناهگاه امنی برای پیروان ادیان و مذاهب مختلف و آزمون موفق در زمینه همزیستی و رشد و شکوفایی مذاهب و ادیان گوناگون بود. تمامی این عوامل موجب گردید تا انسجام و اتحاد حاکم بر فرهنگ آبادان به هویتی واحد مبدل گردد. در طول تاریخ و به ویژه در تاریخ معاصر آبادان پیروان ادیان اسلام، مسیحیت، کلیمی، زرتشتی و صابئی حضور داشتند. به عبارت دیگر تنها تنوع دینی در آبادان وجود نداشت بلکه مطالعه همه جانبه دینی در آبادان نشان می‌دهد که در هر دینی پیروان مذاهب مختلف هم بوده‌اند. نکته جالب این که در این شهر، به هیچ وجه تضادها یا برخوردهای بین پیروان ادیان و مذاهب گوناگون ثبت نشده است و همزیستی بین ادیان همواره در هویت آبادان بسیار قابل تأمل بوده است.

تأسیس آبادان منجر به شکل‌گیری و ظهور هویتی جدید شد: یک هویت فرهنگی به نام آبادانی. در اثر توسعه سریع آبادان، استقرار و اشتغال نیروی کار مهاجران، گسستن از محیط



اجتماعی سابق دیگر نقاط ایران و حتی خارج از ایران، سازماندهی شدن در نظامی جدید با مقرراتی نو، ایجاد تغییرات در شکل خانواده و روابط اجتماعی براساس موازین شهری جدید، تعلیم و تربیت فنی و حرفه‌ای و نظام جدید آموزشی و ... همه و همه در مدتی بسیار کوتاه فرهنگ و هویت معجونی ترکیب یافته از مدرنیته و بقایای سنت‌گرایی را به وجود آورد. فرهنگ آبادان عمیقاً مدرن و اقتدارگرایانه بود و از طرف دیگر به خاطر تنوع جمعیت و عوامل بازدارنده آنان، این مدرنیته همواره مشروط بقای ماند. ثمره این تناقضات، فرهنگی بود پویا، پرنرژی، مختلط و التقاطی.^{۲۷}

بستگی زبانی و گویشی در شکل دهی هویت اثر زیادی دارد. زبان و گویش محور فرهنگ است و اصولاً فرهنگ در اطراف زبان و گویش پدید می‌آید. اصولاً دایره‌های کوچتری به لحاظ ترکیب زبان اصلی با گویشها و لهجه‌های محلی و یا حتی الفاظی که از زبان پیشین برجای مانده دایره هویت و شدت و ضعف آن وسعت و ضیق می‌بخشد. یک زبان یا گویش تلفیقی از چندین زبان، گویش و لهجه تأثیر هویتی زیادی بر گروهی دارد که به آن تکلم می‌کنند. گویش آبادانی به عنوان یکی از گویشهای زبان فارسی، منحصر به فرد است که صرفاً در آبادان شنیده می‌شود. از آنجا که آبادان شهری مهاجری و به تعبیری شهر هفتاد و دو ملت بوده است، از این رو وام‌گیری این گویش از زبان‌های انگلیسی، هندی، عربی، لری و ... زیاد بوده تا جایی که برخی مواقع فهم آن توسط کاربران دیگر گویشهای فارسی مشکل و حتی غیرممکن می‌شود.

اقتصاد پیش از مدرنیزاسیون در جزیره آبادان یک اقتصاد کاملاً پیش سرمایه‌داری بوده که به نوبه خود دارای پیچیدگی‌های خاصی است. از یک سو تنوعی از فعالیت‌های سستی کشاورزی، دامپروری، صیادی، صنعت حصیربافی، استخراج نمک، فعالیت‌های گمرکی و بازرگانی و بالاخره خدمات کاروانسرای و دریافت نذورات وجود داشته و از سوی دیگر این فعالیتها صرفاً بومی نبوده بلکه در بسیاری از موارد متأثر از ارتباط اقتصادی جزیره با خارج از مرزهای خود است.

با کشف نفت در ایران، آبادان می‌بایست به مرکز تصفیه و صدور نفت تبدیل می‌شد. پیش‌نیاز چنین فعالیت اقتصادی تأسیس پالایشگاه نفت و احداث مخزن‌ها و اسکله‌های بارگیری نفت بود. انگلیسی‌ها به علت منافع اقتصادی که در این موضوع داشتند، پالایشگاه و کلیه

تأسیسات مورد نیاز در آبادان را با سرعت غیرقابل تصویری ساختند. اقتصاد آبادان عملاً به صورت یک اقتصاد کاملاً متصل و وابسته به اقتصاد انگلیس به وجود آمد و عمدتاً ارتباط چندانی با اقتصاد ایران نداشت. همه چیز این شهر در خارج از ایران طراحی می‌شد، ابزار و آلات از انگلستان آورده می‌شد و حتی نیروی متخصص خارجی آن را به اجرا درمی‌آورد. اقتصاد شهر به یک اقتصاد با هویت نیمه استعماری تبدیل شده بود.

یکی دیگر از مسائلی که بر هویت آبادان تأثیر به‌سزائی گذاشت جریان ملی شدن صنعت نفت ایران بود. تضادهای سطوح سه‌گانه (داخلی، ملی و بین‌المللی) منجر به فرآیند ملی شدن صنعت نفت گردید. در جریان ملی شدن صنعت نفت، آبادان بیش از هر قسمت دیگر کشور، با تغییر و تحولات ناشی از آن مواجه شد. خروج کارشناسان و مدیران انگلیسی از آبادان، پالایشگاه آبادان را با خلاء نیروی انسانی متخصص رو به رو کرد که به هر جهت می‌توانست آسیب‌های جدی بر اقتصاد شهر وارد نماید. اما در این رابطه بین کارکنان آبادانی اراده و همبستگی به وجود آمد که نه تنها مانع از هر گونه توقف در صنعت نفت نگردید، بلکه برعکس باعث توسعه بیشتر اقتصاد نفتی آبادان گردید. این امر نشانی دیگر از هویت پویای شهر آبادان و آبادانی‌ها بوده است که در مقایسه با دیگر شهرها بی‌نظیر است.

آخرین شاخص اقتصادی هویت آبادان به مجموعه فعالیت‌های اقتصادی معاصر مربوط می‌شود. بنا به دلایل اقتصادی، تأسیس پتروشیمی در آبادان در اولویت قرار گرفت و احداث آن فعالیت اقتصادی مدرن آبادان را از «یک رشته‌ای» بودن خارج کرد. آبادان به یک مرکز تجاری بسیار مهم ایران تبدیل شد و توانست اهمیت تجاری خود را بین بنادر مطرح ایران به دست آورد. شهر صنعتی-تجاری معمولاً فعالیت‌های خدماتی سطح بالایی را طلب می‌کند. در نتیجه آن قدر فعالیت‌های خدماتی در آبادان گسترش پیدا کرد که به نظر می‌رسید آبادان بدون پالایشگاه و پتروشیمی هم قادر به ادامه حیات باشد.

در آبادان، به علت همجواری نظام‌های سنتی، شهری و شرکت نفتی در یک مجموعه پیچیده، روابطی خاص وجود داشت که مشخص می‌کند چه کسی، چه چیزی را به چه دلیلی دریافت می‌کرده و یا افراد و گروه‌هایی با موقعیت‌های ویژه، نفوذ بیشتری داشته‌اند. و در نهایت



اینکه عده ای به دلیل احراز جایگاه های خاص، از احترام بیشتری نسبت به دیگران برخوردار بوده‌اند. در طرح طبقاتی جامعه آبادان که از لحاظ هویتی با تمام شهرهای ایران متفاوت است، طبقات اولاً به صورت شطرنجی (طرح سرامیکی) در کنار یکدیگر قرار داشتند، ثانیاً در این مجموعه شطرنجی، طبقاتی به صورت دوقطبی در مقابل هم بودند، ثالثاً در ساختار دوقطبی، هر قطب در درون خود به صورت سلسله مراتبی از اقشار مختلف بوده است. طبقات اجتماعی در شهرستان آبادان به صورت یک مجموعه سه قسمتی در سه نقطه مجزا متمرکز هستند: مناطق شرکت نفتی، منطقه شهری و مناطق نخلستانی.

طبقات اجتماعی در ساخت شرکت نفت ضمن آنکه ساختی دو قطبی داشت (کارگری-کارمندی) اما مبتنی بر یک سلسله مراتب بسیار شدید (کارگری، کارمندی، مدیریتی) بوده است. در این سلسله مراتب هرمی تشکیل می شد که از قاعده به طرف رأس هم میزان سواد و مهارت افراد بالا می رفت و هم میزان دستمزد و امکانات رفاهی آنها افزایش می یافت. سپس طبقات اجتماعی در منطقه غیرشرکت نفتی (معروف به شهر) مدنظر قرار می گیرد که از یک ساختار دوقطبی طبقات مسلط و تحت سلطه تشکیل شده است اما یک جامعه سه بخشی می‌توان از آن استنتاج کرد به این صورت که افراد در سه طبقه جای گرفته‌اند: طبقات بالا، متوسط و پایین. در مورد نخلستان‌ها نیز با دو طبقه اصلی مالکان و صاحبان نخل‌ها و فلاحان یا همان سهم‌بران روبه‌رو هستیم. اما در آن میان یک طبقه تولیدکننده مستقل هست که باعث شده طبقات اجتماعی در سطح نخلستان‌ها را به سه طبقه کلی تقسیم کند. این ساختار طبقاتی بافت فیزیکی شهر را هم شکل داده است به این معنی که در مناطق شرکت نفتی محله‌ها و مسکن‌ها به صورت سلسله مراتبی منطبق بر ساختار اجتماعی بوده است. در مناطق شهری، سکونت‌گاه به صورت محله‌های سطح بالا، سطح پایین و سطح متوسط وجود داشته و خانه‌ها نیز به صورت مرفه، متوسط و فقیرنشین دیده می‌شود که دقیقاً منطبق بر ساختار اجتماعی مناطق غیرشرکت نفتی است. بالاخره در نخلستان‌ها، اجتماعات گسترده، آبادی‌های چندخانه‌ای و خانه‌های انفرادی را می‌توان مشاهده کرد که با مسئله دسته‌بندی‌های فرهنگی بیشتر قابل توجیه هستند.

یکی از شاخص‌های بارز در جامعه‌آبادان که هویت ویژه‌ای را به این شهر می‌داد مسئله ساخت خانواده و روابط بین خانواده‌ها بود. در آبادان عمدتاً دو شکل خانواده قابل شناسایی بود: خانواده‌های هسته‌ای و خانواده گسترده. کلاً در مناطق شرکت نفتی به علت ساخت مسکن، خانواده‌ها مجبور بودند به شکل هسته‌ای باشند. خانواده‌های هسته‌ای خویشاوند دارای روابط ساده با یکدیگر بودند زیرا بسیار اتفاق می‌افتاد که گروه‌های خویشاوندی به آبادان مهاجرت کرده بودند. در منطقه شهری وضع متفاوت بود. به علت شرایط سخت مسکن، چندین خانواده خویشاوند و در بعضی مواقع غیرخویشاوند در یک واحد مسکونی تشکیل یک خانواده گسترده را می‌دادند. البته در مناطق غیرشرکت نفتی به مرور زمان با گسترش ساخت و سازها و افزایش توانایی مالی مردم، خانواده هسته‌ای رواج پیدا کرد. ساختار خانواده در مناطق نخلستان‌نشین بیشتر خانواده گسترده بود که تحت تأثیر ساختار ایلی بود و با کوچکترین واحد یعنی «بیت» آغاز می‌شد. بیت محل سکونت یک خانواده گسترده عرب بود. به غیر از بیت واحدهای دیگر تشکیل‌دهنده ساختار ایلی عرب‌ها شامل: «جموله»، «عشیره» و «طایفه» یا «قبیله» می‌شد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شد، در آبادان ساختار هسته‌ای-گسترده خانواده از ویژگیهای هویتی شهر بوده است.

یکی از تفاوت‌های اساسی آبادان با دیگر شهرهای ایران در زمینه نظام آموزش و پرورش آن بود. چون آبادان شهری مدرن بوده و پایه‌گذاری مرحله توسعه جدید آن مبتنی بر صنعت بوده است، از همان ابتدا نظام آموزشی جدید را در دو شکل در آن رواج دادند. نخست آنکه شرکت نفت برای خود یک نظام آموزشی از سطوح پایین تا سطوح عالی طراحی کرده بود که تمام کارکنان خود را دربرمی‌گرفت و برای این منظور انواع آموزش‌های فنی و غیرفنی را با کیفیت بسیار بالا ارائه می‌داد و دوم آنکه با گسترش این نظام آموزشی خاص، نظام آموزشی عمومی ملی در آبادان پیاده شد که به هیچ وجه تضادی با آموزش‌های شرکت نفت نداشت بلکه تکمیل‌کننده سطوح تحصیلی دانش‌آموختگان شرکت نفت بود. چون شرکت نفت می‌دانست که به آموزش‌های ملی به عنوان پایه آموزش‌های خود نیاز دارد لذا در گسترش امکانات برای آموزش



و پرورش آبادان از هیچ کمکی دریغ نمی‌کرد. در مجموع آبادان از لحاظ آموزش، هویتی خاص داشت.

آبادان به عنوان نخستین شهر صنعتی کشور کانون فعالیت‌های سیاسی مختلفی بوده است. همین امر باعث شده تا از لحاظ سیاسی دارای هویت ویژه‌ای شود و در تاریخ سیاسی معاصر ایران بسیار مؤثر باشد. آبادان قبل از مدرن شدن تحت سیطره و حاکمیت شیخ خزعل به صورت «نیمه خود مختار» اداره می‌شده است. با روی کار آمدن رضاخان حاکمیت دوگانه‌ای در آبادان به وجود آمد. از یک سو انگلیسی‌ها سیستم «شبه استعماری» را در آبادان پیاده کرده بودند. از سوی دیگر حکومتی «شبه مدرن» با تشکیلات انتظامی جدید در ایران به وجود آمده بود که می‌خواست حاکمیت خود را بر همگان نشان دهد. توسعه طبقه کارگر صنعتی مدرن در آبادان از یک سو و عدم ارائه امکانات کافی برای کارگران ایرانی از سوی شرکت نفت از سوی دیگر باعث رشد آگاهی اعضای این طبقه در آبادان گردید و برای اولین بار در ایران نطفه‌های جنبش کارگری شکل گرفت و با اولین اعتصاب کارگران پالایشگاه در آبادان، انگلیسی‌ها و عاملان حکومتی متوجه شدند که باید بیشتر مراقب رفتار کارگران صنعت نفت در آبادان بود. لذا دست اندرکاران حکومتی نظام جامعه آبادان، بر آن شدند که کنترل بر شهر را خود اعمال کنند زیرا احساس می‌کردند انگلیسی‌ها اگر نظامی برقرار می‌کنند به خاطر منافع‌شان است و نه منافع مردمی، از این‌رو تضاد بین حاکمیت و انگلیسی‌ها عیان شد و همین امر منجر به اشغال آبادان گردید.

پس از اشغال آبادان در جنگ جهانی دوم، با وجود زمینه‌های عینی تبعیضات اقتصادی و خواسته‌های صنفی کارگران ایرانی شرکت نفت «سندیکالیسم» در آبادان، برای اولین بار در ایران، به طور جدی تقویت شد و تقریباً ۹۰ درصد کارکنان، به عضویت اتحادیه‌های کارگری پیوستند. در دهه اول حکومت محمدرضا شاه، اعتصابات سنگینی موقعیت انگلیسی‌ها را در آبادان زیر سؤال برد و تقاضاهای طبقه کارگر اعلام گردید. جنبش ملی کردن صنعت نفت یکی از پایگاه‌های عمده فعالیت صنعتی-سیاسی خود را در آبادان یافت. ملی شدن صنعت نفت می‌بایستی در آبادان به واقعیت تبدیل می‌شد. لذا کارگران و کارمندان صنعت نفت در آبادان با یک حرکت به موقع همگام با خواست ملت ایران، پالایشگاه عظیم نفت آبادان را از کنترل انگلیسی‌ها خارج کردند و با

درایت به راه‌اندازی مجدد آن پرداختند. اما در زمانی بسیار کوتاه در ایران، ایالات متحده آمریکا جانشین استعمار پیر گردید و با حذف طراح ملی شدن صنعت نفت از صحنه سیاسی ایران، عمال حکومتی این بار با کمک آمریکایی‌ها سلطه خود را بر همه ایران و از آن جمله در آبادان اعمال کردند.

پس از ملی‌شدن صنعت نفت، ما شاهد یک دیکتاتوری کاملاً مدرن و یک روند سرکوبی سیستماتیک در آبادان شدیم. فعالیت‌های رهبران صنفی، ملی‌گرایان، چپ‌گرایان و مذهبیان در آبادان شدیداً منع گردید و رژیم با سیستم ساواک خود از هرگونه تشکل و فعالیت سیاسی در آبادان جلوگیری کرد. اما مردم همیشه آگاه آبادان در سطوح دانش‌آموزی، دانشگاهی، مراکز مذهبی، محافل روشنفکری، تجمع‌های کارگری، تماس‌های صنفی و بسیاری از گردهمایی‌ها، اعتراضات خود را با یکدیگر رد و بدل می‌کردند و به شکلی واضح در تضاد با مجموعه نظام سیاسی حاکم بودند. «مجموعه این تضادها بود که از آبادان شهری ساخته بود آماده انفجار، شهری ساخته بود با مردمی بیدار بهانه‌جو و گاهی پرخاشگر و ظلم‌ستیز. مردمی که آماده اعتراض و فریاد بودند».^{۲۸} تا اینکه واقعه آتش‌سوزی سینما رکس موقعیت را برای اعتراض و اعتصاب مهیا کرد و آبادان یکپارچه به جوشش درآمد و با اعتصاب عظیم کارکنان شرکت نفت، مردم آبادان دین خود را نسبت به انقلاب ادا کردند.

آخرین عامل موثر در شکل‌دهی هویت یک شهر موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی آن است. جزیره آبادان با ویژگیهای جغرافیایی خاص خود در مقطعی از تاریخ معاصر ایران به‌عنوان مناسب‌ترین محل برای یک اقتصاد نوین مبتنی بر صنعت نفت در نظر گرفته شد. از سوی دیگر آب و هوای آن باعث گسترش نخل‌داری در سطح بسیار وسیع شده بود که همین امر ایران را در جایگاه رفیعی از لحاظ تولید و صادرات خرما قرار داده بود. همچنین مرزی بودن این جزیره همیشه آن را در مرکز مناقشات مرزی (چه با دولت عثمانی و چه بعدها با حکومت عراق) قرار می‌داد. بنابراین، موقعیت جغرافیایی آبادان اولاً باعث توجه خاص انگلیسی‌ها به این جزیره شد و آبادان را به اولین شهر مدرن طراحی شده در خاورمیانه تبدیل کرد، ثانیاً تولید کشاورزی به



سبک سستی را در جوار فعالیتهای صنعتی حفظ نمود و ثالثاً شهر را همیشه در معرض بیگانگان قرار داد.

آبادان مورد حمله عراقی‌ها قرار می‌گرفت و جنگ تحمیلی هویت بی‌نظیر آن را خدشه‌دار کرد. نخست، ساختار فیزیکی شهر که نشانی از هویت این شهر بود شدیداً صدمه دید، اقتصاد و زیربنای اقتصادی را، که طی یکصد سال به وجود آمده بود و این شهر صنعتی را از دیگر شهرهای ایران متمایز نموده بود، تخریب کرد. ساکنان شهر را به یکباره مجبور به مهاجرت اجباری می‌کند. پراکنده شدن آبادانی‌ها در شهرهای مختلف ایران بر هویت فرهنگی- اجتماعی آنها لطمه شدیدی وارد می‌کند. آسیب‌های اجتماعی زیادی گریبانگر آبادانی‌های جنگ‌زده و مهاجرین می‌شود. انسجام اجتماعی- فرهنگی آبادانی به‌عنوان یک شاخص اصلی هویت آبادانی خدشه‌دار می‌گردد.

بالاخره بعد از هشت سال جنگ خاتمه می‌یابد اما آبادان دیگر هیچگاه ساختار قبلی خود را به دست نمی‌آورد. تعداد زیادی از مهاجرین هرگز به آبادان برنگشتند. پالایشگاه آبادان رتبه خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان از دست می‌دهد و همین امر کل اقتصاد و فعالیتهای شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخلستانها ضربه شدیدی خوردند و هیچگاه دیگر شادابی و قوه خود را در تولید به دست نیاوردند. به عبارت دیگر هویت اقتصادی سطح بالای شهر افول می‌کند و بیکاری و بالطبع آسیب‌های اجتماعی از ویژگیهای آبادان شده است.

فرهنگ امروز آبادان آن ترکیب زیبای قبلی را از دست می‌دهد و متأسفانه قوم‌مداری جو فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهر را دوقطبی می‌کند (عرب در مقابل عجم). همین امر باعث گردیده که همکاری‌های قوی قبل از جنگ در این شهر بین گروه‌های مختلف رسمی و غیررسمی به مقدار زیادی افول کند و باعث کندی و تأخیر در امر بازسازی و توسعه کلی شهر شود. هر گروه، دیگری را باعث و عامل عدم توسعه بعد از جنگ می‌داند. در این رابطه است که هویت آبادان و آبادانی ضربه دیده است.

نتیجه‌گیری

آنچه از بحث‌های مقاله حاضر نتیجه گرفته می‌شود این است که آبادان اولین شهر صنعتی مدرن ایران بوده که اقتصاد ایران را با اقتصاد جهانی پیوند زده، در نتیجه از این لحاظ شهر دارای هویت بی‌نظیری در بین شهرهای ایران بوده و مردم آن در همین رابطه هویتی خاص به‌دست آوردند زیرا کمتر جوامعی را می‌توان یافت که مردم آن از لحاظ فعالیتی، همزمان دو فعالیت اقتصادی مدرن و سنتی را در سطح بین‌المللی داشته باشند.

به لحاظ فرهنگی تنوعی از فرهنگهای خارجی و داخلی در یک ساختار بدون تضاد، فرهنگ معجون این شهر را به‌وجود آورده است که ضمن تنوع فرهنگی از یگانگی فرهنگی برخوردار بوده است. بنابراین هویت فرهنگی شهر تکثرگرایی در عین یگانگی فرهنگی می‌باشد. فرهنگ آبادان پس از انسجام یافتن با فرهنگ تمام شهرهای ایران متفاوت می‌شود.

در مورد ساختار اجتماعی، بافت شهر به شکل سرامیکی در زمینه طبقات اجتماعی و فضای سکونتی به‌وجود آمد که ضمن دو قطبی بودن طبقات اجتماعی از یک ساختار سلسله‌مراتبی برخوردار بوده است. در هیچ شهر ایران چنین ساختار طبقاتی دیده نمی‌شود و هویت طبقاتی آبادان بر این است که در عین دوگانگی طبقاتی، طرح سرامیکی (شطرنجی) نیز وجود دارد.

بالاخره به لحاظ سیاسی، آبادان در تاریخ یک‌صدساله خود تنوعی از شرایط، فعالیتها و گروه‌های سیاسی را به خود دیده که از منظر آگاهی سیاسی همیشه وضعیت ویژه‌ای را عرضه کرده است. در عین تنوع سیاسی، همیشه در قبال قدرتهای سلطه‌طلب خارجی و داخلی، از یک انسجام سیاسی برخوردار بوده و همین امر باعث حفظ آبادان به‌صورت کلیتی شده است.

تعامل بین نظام داخلی سنتی و نظام خارجی مدرن مجموعه‌ای را در آبادان به‌وجود آورد که دارای هویتی مخصوص شد: جمع مهاجران داخلی و خارجی و بومیان جزیره دارای خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در ترکیبی منسجم. نظام اجتماعی آبادان، طی سال‌های قبل از جنگ تحمیلی با استفاده از امکانات سطح بالای شرکت نفت و تلاشهای مسئولین در پیاده کردن روشهای خارجی و داخلی توانست هویت ویژه آبادانی را به عنوان یک الگوی همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام، گروه‌ها و پیروان مذاهب مختلف، حفظ کند. اما جنگ تحمیلی به‌عنوان



نیروی مخرب طی هشت سال زیربناهای اقتصادی را متلاشی نمود. مهاجرت دسته‌جمعی آبادانی‌ها و عدم برگشت درصد بالایی از آنها به آبادان از لحاظ اجتماعی- فرهنگی ضربه‌های جبران‌ناپذیری به هویت این شهر و شهروندان آن وارد نمود و در یک کلام، شهر با بالاترین سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از آسیب‌های اجتماعی زیادی رنج می‌برد.

پی‌نوشت‌ها

1. Identity.

۲. الطائی، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۴.

۳. حیدری بیگوند، ۱۳۸۰: ۱۰۵.

4. Attitude Theory.

۵. قیصری، ۱۳۸۰.

۶. الطائی، ۱۳۸۲.

۷. حیدری، ۱۳۸۳.

۸. عالمی نیسی، ۱۳۸۳.

۹. لهستانی زاده، ۱۳۸۵.

۱۰. تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۱.

۱۱. انصاری، ۱۳۷۹: ۸۸.

۱۲. آخوندی، ۱۳۸۳: ۲۶.

۱۳. تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۱.

14. De-differentiation.

۱۵. مرشدی زاده، ۱۳۷۹: ۲۱۳.

۱۶. قره باغی، ۱۳۸: ۲۷۷.

17. Hannah Arendt.

۱۸. انصاری، ۱۳۷۹: ۹۹.

۱۹. آخوندی، ۱۳۸۳: ۴۳.

20. Sheldon Stryker

21. Turner, 2003: 370.

22. Ibid.

23. Richard Jankins.

۲۴. جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴.

۲۵. اکبری، ۱۳۸۴: ۳۲۱.

۲۶. جعفریان، ۱۳۸۱: ۵.

۲۷. احسانی، ۱۳۷۸: ۳۴.

۲۸. فرخ مهر، ۱۳۷۷: ۲۶.

منابع

- آخوندی، محمدباقر، هویت ملی-مذهبی جوانان، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳.
- احسانی، کاوه، «تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت-شهرک‌های خوزستان: نگاهی به تجربه آبادان و مسجد سلیمان»، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۷۸.
- اکبری، محمدعلی، تبارشناسی هویت جدید ایران، عصر قاجاریه و پهلوی اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- الطائی، علی، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۲.
- انصاری، منصور، هانا آرنیت و نقد فلسفه سیاسی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- تاجیک، محمدرضا، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۴.
- جعفریان، رسول، «هویت ایرانی در کشاکش تحولات سیاسی ایران در چهار قرن اخیر»، در مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، به اهتمام گروه تحقیقات سیاسی اسلام (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، تهران: دفتر نشر معارف-پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۲۷-۵، ۱۳۸۱.
- جنکینز، ریچارد، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱.
- حیدری بیگوند، داریوش، «مسئله بحران هویت جوانان»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، شماره ۴، ۱۳۸۰.
- حیدری، اله رحم، بررسی عوامل مؤثر بر رابطه هویت ملی و قومی: مطالعه موردی شهر نورآباد ممسنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳.
- عالمی نیسی، مسعود، مطالعه میزان برجستگی هویت‌های فرهنگی و جمعی و پیش‌بینی آینده آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
- فرخ مهر، علی، آبادان شهر خوبان، آبادان: انتشارات درج، ۱۳۷۷.
- قره‌باغی، علی اصغر، تبارشناسی پست مدرنیسم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- قیصری، نوراله، قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی، جامعه‌شناسی آبادان، چاپ دوم، تهران: کیانمهر، ۱۳۸۵.
- مرشدی‌زاده، علی، «بقا یا زوال قومیت‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶، زمستان، ص ۲۱۷-۱۹۷، ۱۳۷۹.